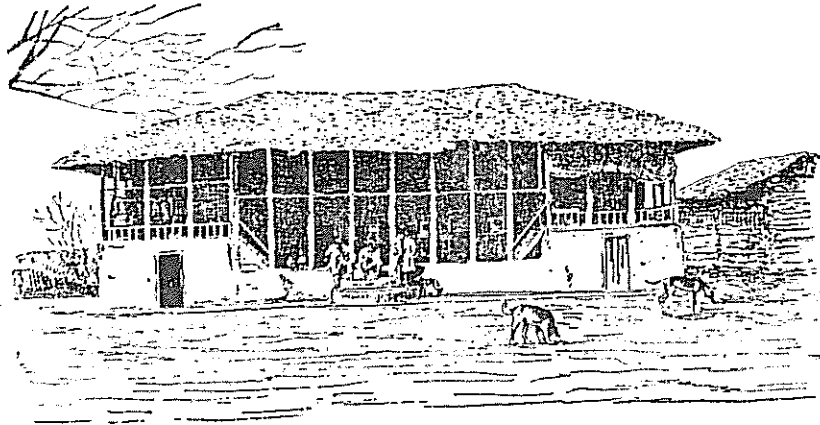


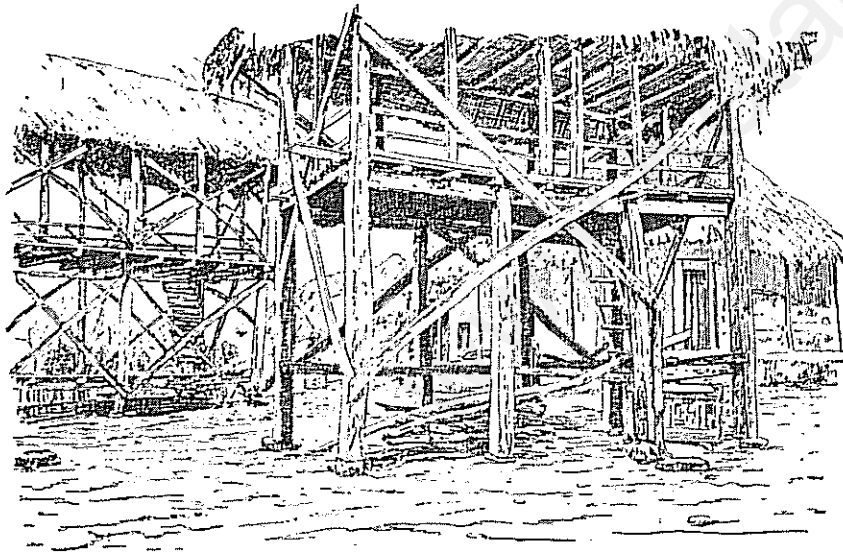
شکل ۶۳- منارهٔ جدید آمل. (ترسیم مؤلف)

خانه‌های معمولی، جز در مدت فصل معتدل توسط اهالی مسکون نیست. بمحض آنکه گرم‌تر آید، هر کس مسکن زمستانی خود را بقصد برج‌های چوبی که در منطقه به تالار موسوم اند (شکل ۶۵ و ۶۶) ترک مینماید، این برج‌ها در معرض کلیه بادهای باده‌باده و پوشیده از یک پشت بام هرمی شکل میباشند؛ شب‌ها در آنجا خیلی خنک و جریان هوا یکجا مگس‌ها و بخار عفن طاعونی خاک را دور میسازد. بجز در ساحل که در آنجا نسیم دریا دائماً می‌وزد، هر خانه دارای یک تالار است.

زبان مازندرانی یکی از لهجه‌های ایرانی بسیار نزدیک به فارسی است. مع هذا در آن لغات زیاد و اشکال گرامری خوب باشند به پهلوی دیده میشود، من در یک اثر ویژه بتفصیل وارد بحث درباره لهجه‌ها خواهم گردید. تنوع زیادی در این لهجه‌های ولایتی دیده میشود، از اینروست که زبان لاریلیا، همان زبان آمل نیست و این آخری بطور محسوسی از زبان بازرغوش و تنکابن متفاوت است.

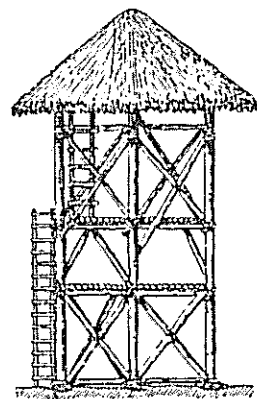


شکل ۶۴- نشته؛ خانه بومی (عکس از مؤلف)



شکل ۶۵- تالار (کاظم بگی)

مازندران تنها مسکون ازمازندرانی نیست، این منطقه در شهرهای خود جمع کثیری ایرانی و مقداری جهود دارد. در مناطق شرقی دهستانهای ترک و در بخش کالارستاق کردهای ایل خجائوند متعدّداند که سابقاً بهمازندران تبعید شده و بتدریج با اهالی منطقه در آمیخته‌اند. آنها در عین حالی که تعداد قابل توجهی بر اصطلاحات بومی‌ها افزوده‌اند، زبان اجدادی خود را نیز حفظ کرده‌اند.



شکل ۶۶- نالار یا برج چوبی در مازندران

نزدیک اشرف، در دهستان گرجی حجله، یک کلنی گرجی است که سابقاً توسط شاه عباس تبعید شده‌اند. این مردم زبان و مذهب خود را از کف داده شیعه شده‌اند، اما علیرغم همه چیز هنوز قیافه جسمانی هم‌نژادان قفقازی خود را حفظ کرده‌اند. تا چند سال پیش هنوز پیرمردها گرجی تکلم می‌کرده‌اند، نساهای جدید زحمت آموختن آنرا بخود ندادند.

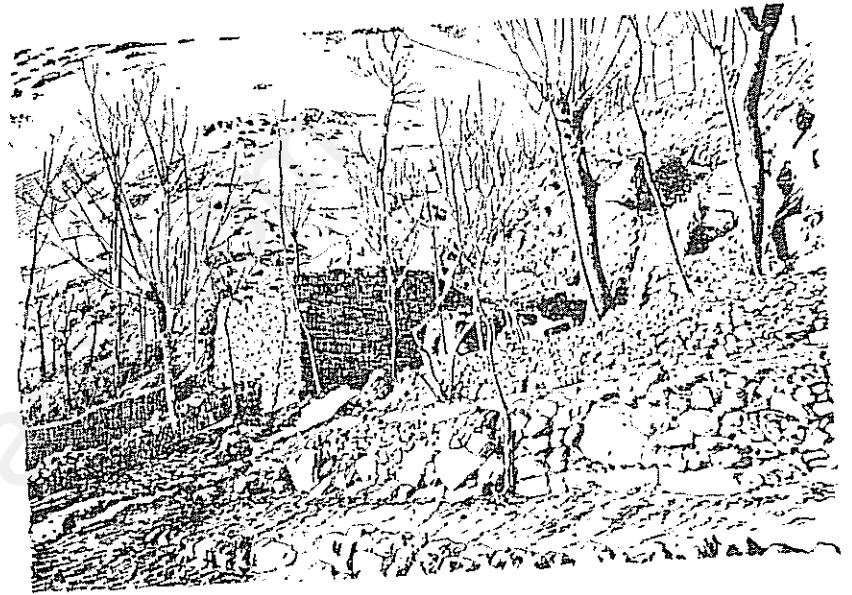
دخترهای گرجی در ایران از بک شهرت زیاد بزیبائی - کاملاً نایب و بعقیده من - برخوردارند، زیرا آنها جملگی قیافه‌هایی ناهوشمندانه دارند، اما ایرانی‌ها آنرا خیلی میپسندند، بنحوی که گرجی‌های گرجی محله با فروش دختران خود بایرانیان و گرفتن زن مازندرانی سود میبرند. این آمیزش‌های مداوم هنوز خطوط اصلی خصائص نژاد

قفقازی را از بین نبرده است لیکن اندک اندک گرجی‌ها در توده مردم ذوب شده و از آنها جز نام دهستانشان بجا نخواهد ماند.

بر روی پایه‌های جنوبی البرز در مناطق واقع بین تهران و شهر دماوند اهالی فوق العاده مخلوط‌اند. دهات سیاه بند، کول که، حصارک، گیالدره (۳۴ دره)، طاهر - آباد، عباس آباد و غیره مسکون از ترکها هستند، در کردن آبک و دو او نند، سکنه جمله کرد است، در پلنگسوار، خارین، و در وای آباد کلنی‌های گبر یافت می‌شوند. در دیگر دهات زبان فارسی است که استعمال می‌شود، لہجه مازندرانی تنها از کوه‌های دره لار علیا شروع می‌شود، سابقاً قبل از تأسیس تهران لہجه مازندرانی در تمام ناطقی که بین آخرین پایه‌های البرز و کویر نمکین گسترده شده‌اند استعمال می‌شده است.



شکل ۶۷- عباس آباد، خانه روستائی (عکس از مؤلف)



شکل ۶۸- آسیاب آبی، در رینه. (عکس از مؤلف)

شهرها، دهات و ابنیه - ایالت مازندران جز شامل سه شهر، ساری، بارفروش امل نیست، هر سه در جاگه قرار دارند. کوهستان جز در بعضی دره‌ها شامل دهستانهای مهم نیست، ولی این دهستانها غالب اوقات جز دهکده‌های کوچک بسیار فقیر و با منظره‌ای بینوا نیستند. مابقی چون اشرف و فرح آباد بکلی سقوط و تنزل کرده و امروز باید آنها جزه دهستانها، و نه شهرها طبقه بندی شوند.

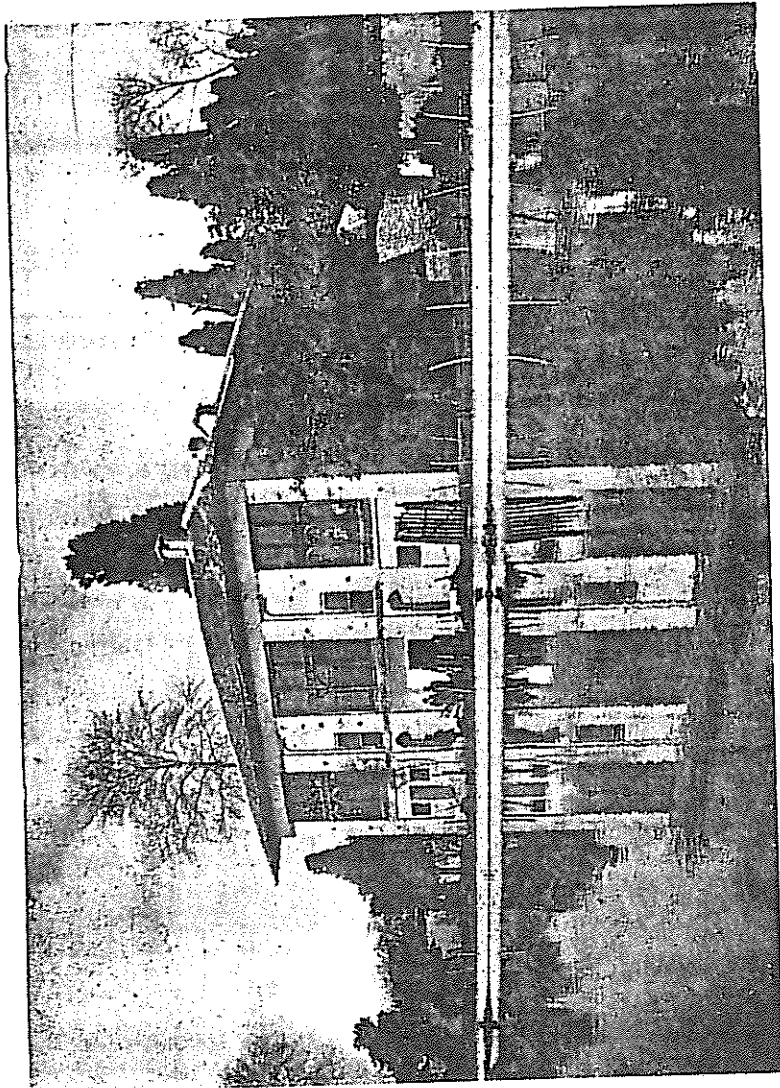
سابقاً مازندران طبرستان یا تبرستان (سرزمین تبر) نام داشته است، نام بومی سکنه آن طبری یا طبرستانی میباشد.

ریشه نام تبرستان از آنجاست که، این منطقه پوشیده از جنگل است و سکنه آن همیشه با خود تبری حمل میکنند که به علاوه با مهارت زیاد آنرا استعمال میکردند،

تصویر ۱۷

ساری : عمارت باغ شاه (عکس از مؤلف)

۲۱۶

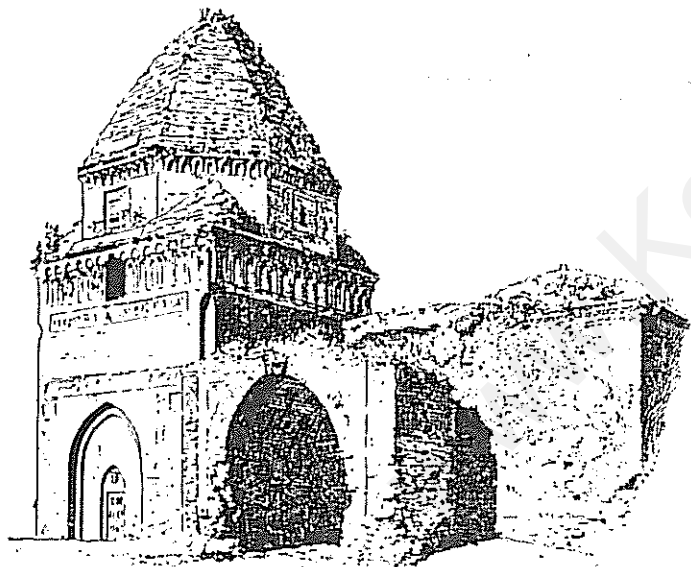


که سابقاً هم بجای سلاح در جنگها بکار میرفته است. ریشه نام مازندران (۱) بنحویتین بخشی یافته نشده است.

سازی، امروز حاکم نشین این ایالت است، حاکم در آنجا مستقر است، اهالی در حدود هشت هزار نفر اند. (۲)

شهر دارای دو مسجد بوضعی اسفناک، لیکن بشدت اعجاب انگیز میباشد، مسجد قدیمتر بنام سید محمود در ضوا و مسجد امامزاده یحیی خیلی جدید است.

اولی دارای گنبدی مخروطی و یک کیلومتری بسیار عجیب از کاشی آبی رنگ (آجرهای میناکاری) که بخط و الفبای عربی کتیبه ای برنگ سفید بر روی زمین آبی نوشته شده است. (شکل ۶۹)



شکل ۶۹- مسجد سید محمد رضا، ساری (عکس از مؤلف)

(۱) - در زمان قدیم مازندران بنام بیشه نارون اطلاق می شده، نویسندگان شرقی چندی مدعی اند که نام مازندران مستخرج از درخت بلوط کوهی موسوم به ماز که از سیلان تاجاچرم کشیده میشوند میباشد. مطابق گفته زین الدین مرعشی، ماز از نژاد سوخرا، دیواری جسیم به

دز بیرون شهر در مقبره: امام سلطان محمد رضا، و ملامر جان می باشد. این دو مقبره که در منطقه شدیداً مورد احترام اند هیچ چیز عجیبی ندارند، مسجد کوچک جدیدی در کنار آن ساخته شده است.

ساختمانهایی که بتوسط حاکم اشغال شده اند ظاهری نسبتاً متوسط دارند، آنها در منتهی الیه یک میدان بزرگ که از روی دیگر بارک شاه (باغ شاه) منتهی می شود، قرار دادند. این باغ شاه باخیابانهای مشجر و زوایای مستقیم، دارای سروهای بسیار زیبا، بایک استخر آب عالی و بالاخره یک محل سکونت جدید ولی بامنظرهای اعجاب آور می باشد. تصویر ۱۷



شکل ۷۰ - مدخل شهر بارفروش، منظره از شمال برداشته شده است.

از اجزای برجهای گیلان بساحت، این دیوار درهائی داشت که عبور از آنها بدون اجازه غیر ممکن بود. هدف ماز ازینکار مصون داشتن منطقه از حمله و هجوم ترکها بود. منطقه ای که کوههای ماز از آن میگذشت بامنطقه متنوعه ماز نام مازندران (بعضی ماز در آن میباشد) گرفت (ج. Ch. Sehefer - سرزمین ایران در ۱۶۶۰ س ۴ شماره ۱)

تپه های شنی در این منطقه مرز یا مازز نامدارند، شاید ریشه کلمه مازندران را ضمن حذف ر. از آن باید استخراج کرد. (این نظر بسیار سست است، مترجم.)

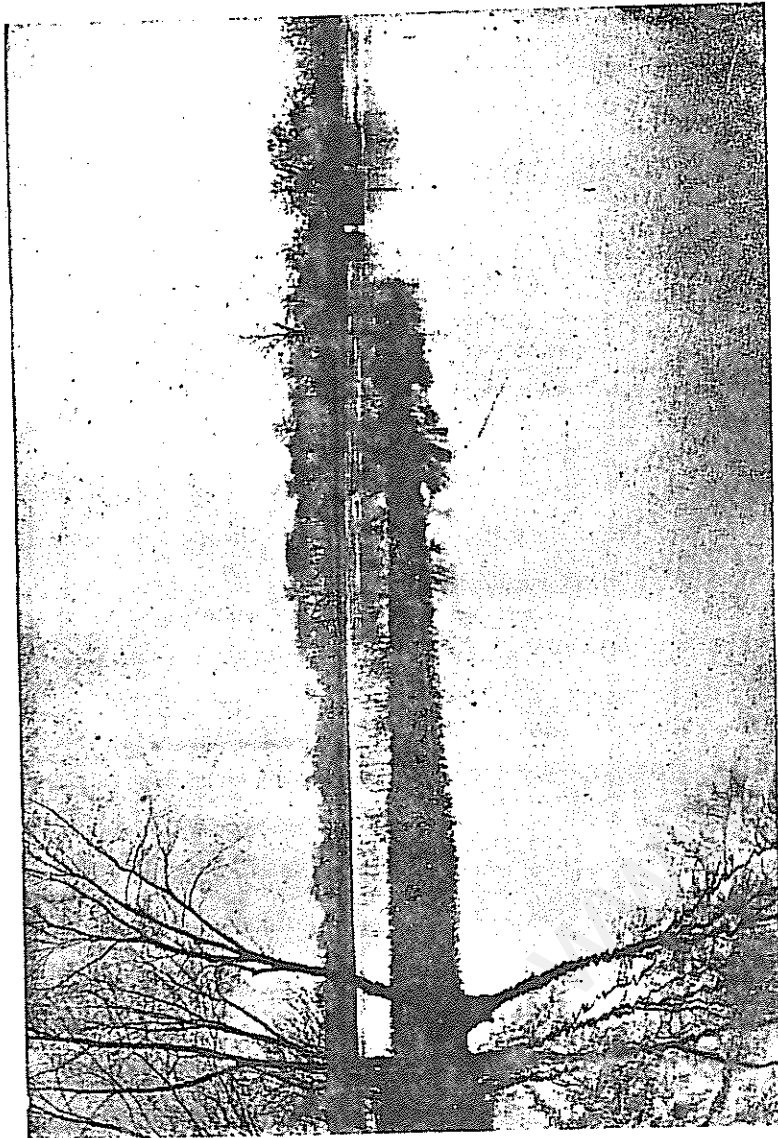
(۲) سارو (ساری) جانی است بسیار بزرگ و بسیار پر جمعیت که حتی شاه در آن یک قصر دارد. بآن نام شهر می دهند اما بادبوارهای بلند و حضور نیست و در آنجا هیچ خانه ای که خوب ساخته شده باشد ندیدم. همه خانه ها پوشیده از کاه اند، در بعضی این پوشش بتوسط سفال و بروهائی از گِل بخته مشرک حفظ می شوند. این محل سارو نام دارد که بمعنی زرده است. شاید بخاطر درخت پرتقال و انواع میوه هائی که دارد. (پترو دولوالو ال Pietro de la valle

ترجمه فرانسه ۱۸۴۵ جلد ۲ س ۲۱۹)

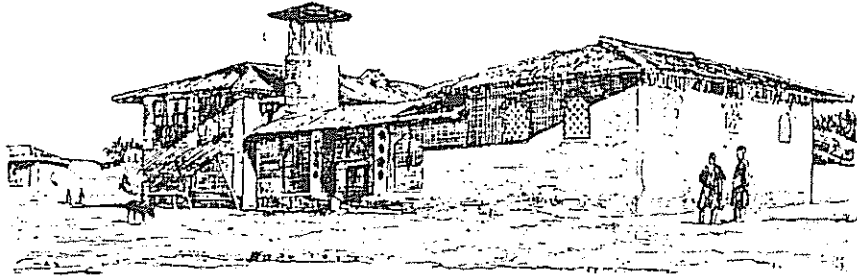
تصویر ۱۸

بارفروش: برکه باغ شاه (عکس از مؤلف)

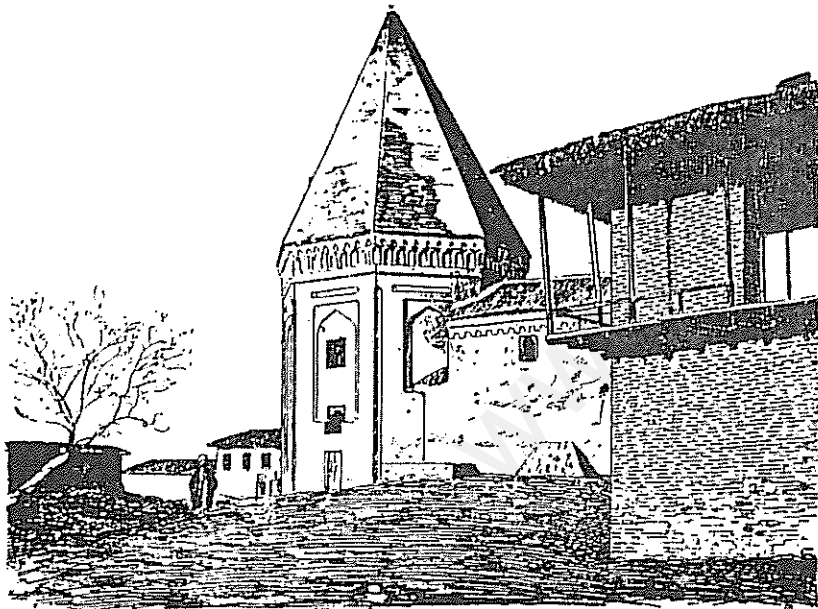
۲۱۸ ص



در مشرق شهر يك پل آجری و زیبا عبور از رود تجان را ممکن می سازد.  
شهر ساری بشایستگی ساخته شده و خوب نگهداری گردیده است، باروهای آن  
از آجرهای پخته و خشك اند؛ خانه ها با سقف های مسطح و سفالهای گرد پوشیده شده اند.  
کوچه ها تمیز و مفروش از قلوه سنگهای كوچك اند. این كوچه ها همانند تمام



شکل ۷۱- مسجد کلاغها در بارفروش. ( از روی عکس مؤلف )



شکل ۷۲- مسجد بارفروش ( از روی عکس مؤلف )



شهرهای مازندران تنگ بوده، مرکب اند از دو پیماده و بسیار بر آمده و بیک راه عبور باریک مرکزی، خیلی گود، برای عبور اسبها و قاطرها.

بندرگاه فعلی ساری، بندر فرح آباد در مصب رود تجان می باشد. این بندر در دوره سلطنت شاه عباس شهر مهمی بوده است، امروز تنها چند قایق تر کمن در کنار آن می باشند. تجارت مازندران تغییر مکان داده است.

بارفروش، محتر از همه شهرهای مازندران می باشد، این شهر بر ساحل راست بابل رود، در حدود ۲۵ کیلومتری دریا واقع شده است، بارفروش خوب و بزرگ ساخته شده، کوچه ها در اینجا تمیز و خوب سنگ فرش شده اند، بازار آن نیز از پر آذوقه ترین بازارهای منطقه است، و دارای کاروانسرای زیبایی است.

حکومت روسیه درین شهر بیک مامور کنسولگری، آقامیرزا یوسف، مسلمان شیعه ولی تبعه تزار نگاه داشته است. بارفروش مقر حکومت است.

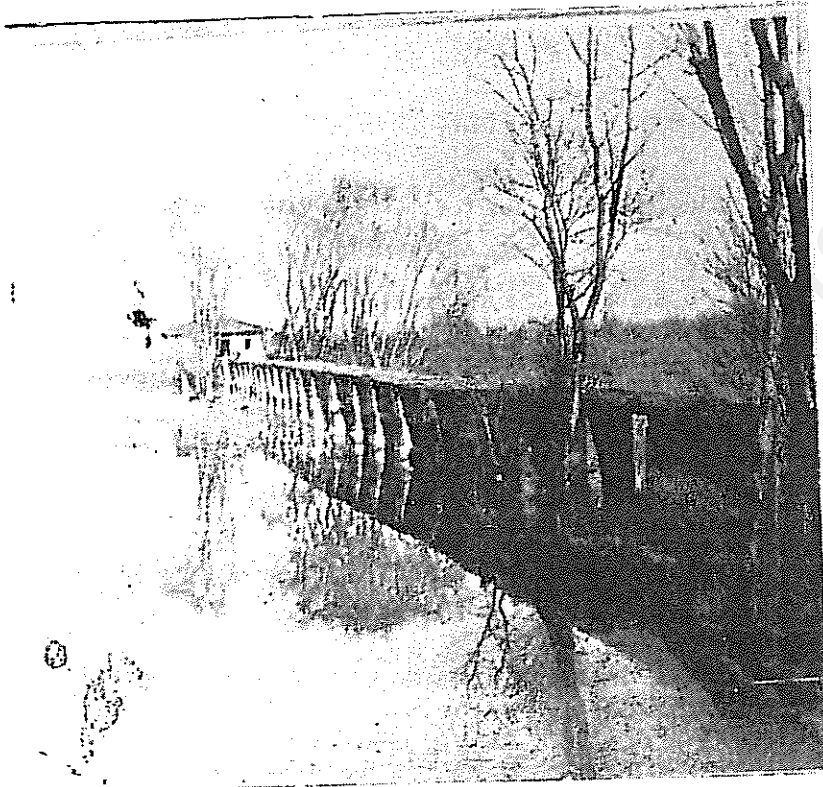
تنها بنای تاریخی شهر، مسجد کهنه ایست که در حدود هزار سال است بنا شده و چیزهای جالب توجه دارد و مقبره امام ابوالقاسم پسر امام دوسی وجود دارد. مازندرانها آنرا کلاخ مسجد، ایرانها آنرا امامزاده ابوالقاسم می نامند.

یک افسانه قدیمی میگوید که قبل از بنای این مسجد، منطقه خالی از سکنه و صحرایی بوده است، معینا در روی این جلگه، بر کنار رود بابل بوده که همه هفته یک بازار از حیوانات و محصولات آنها که برای فروش از دهات مجاور می آمده اند، تشکیل میشده است. سکنه متوجه شدند که در محلی که امروز مسجد بنا شده کلاغها گروه گروه جمع می آیند، ازینرو زمین را حفر کرده آثار و بقایای وجود امام را یافتند، درینوقت مسجد را ساخته و شهر پیرامون آن استقرار یافت. بعداً دیگر حرمها و عبادتگاهها ساخته شد، اما همه این عبادتگاهها دارای همان خصائص مساجد جدید مازندران و گیلان اند.

بارفروش مانند ساری دارای باغ شاه است، این باغ در جنوب شهر و تقریباً در هزارمتری آخرین خانهها قرار دارد. امروز جز اندک جاذبیتی ندارد، بناها کاملاً ازین رفته اند، در حال حاضر این باغ مرکب میشود از یک جزیره مربع با ضلع ۱۰۰-۱۵۰

متر دراز (تصویر ۱۸)، یک پل (شکل ۷۴) که گذر به جزیره را که سابقاً پوشیده از ساخته آنها بوده ولیکن امروز جز باغی که در آن سروها و نارنجها و پرتقالها نمی رویند، میدهد. در غرب بارفروش و در حدود ۲ کیلومتری شهر پل زیبایی بر روی بابل رود وجود دارد.

آمل که مازندرانها آنرا آمول نامند شهر بست بسیار قدیمی واقع بر دو طرف رود هر از یاهر از رود (شکل ۷۵) که چنانچه دیده شد غیر از رود لار که بهنگام خروج از کوهها تغییر نام میدهد، نیست. بنای آمل مربوط به عهدی بسیار باستانی است، مؤلفین مسلمان، آنرا تابعودی

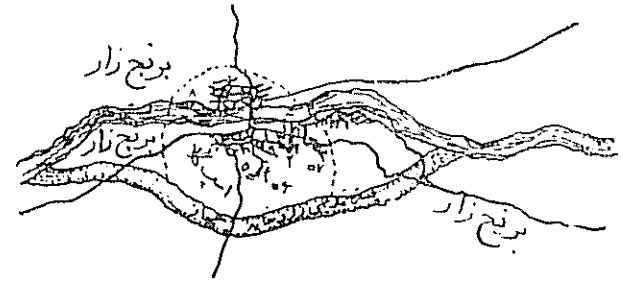


شکل ۷۳- پل باغشاه بارفروش

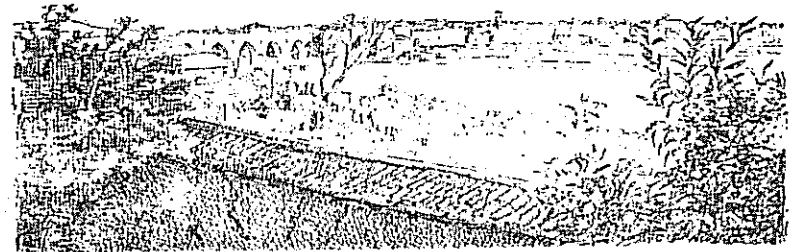
افسانه آمیز (۱) بعقب میبرند. در هر حال، شهر جدید بر روی خرابه‌های شهر قدیمی‌تر دیگری برپا شده، که از بنوبه خود نیز بر اثر آبها و جنگها ویران بوده و دوباره ساخته شده بوده است.

وقتی در اطراف شهر می‌گردیم، در هر قدم بقایای شهر قبلی، بناهایی که خرد و ویران شده‌اند میبینیم، بعضی از مهم‌ترین آنها هنوز پایدارند، من آنها را یکی بعد از دیگری شرح می‌دهم.

در غرب شهر فعلی، بستری که در آنهر از رود زمانی شهری را که امر و وزیران است معمور میداشته است، مشاهده می‌شود، بگ جریان آب جدید در میان همین خرابه‌ها باستر

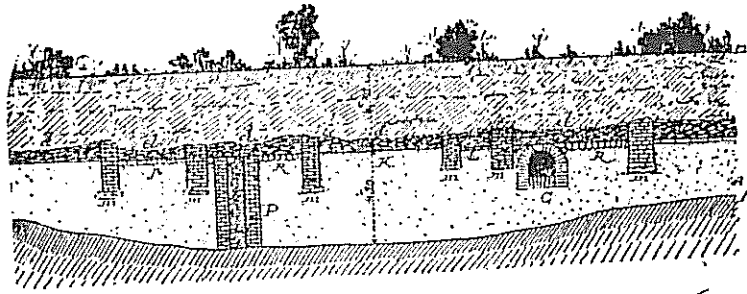


شکل ۷۰. طرح توپوگرافیک شهر آمل و اطراف آن



شکل ۷۵. منظره آمل. (از روی عکس مؤلف)

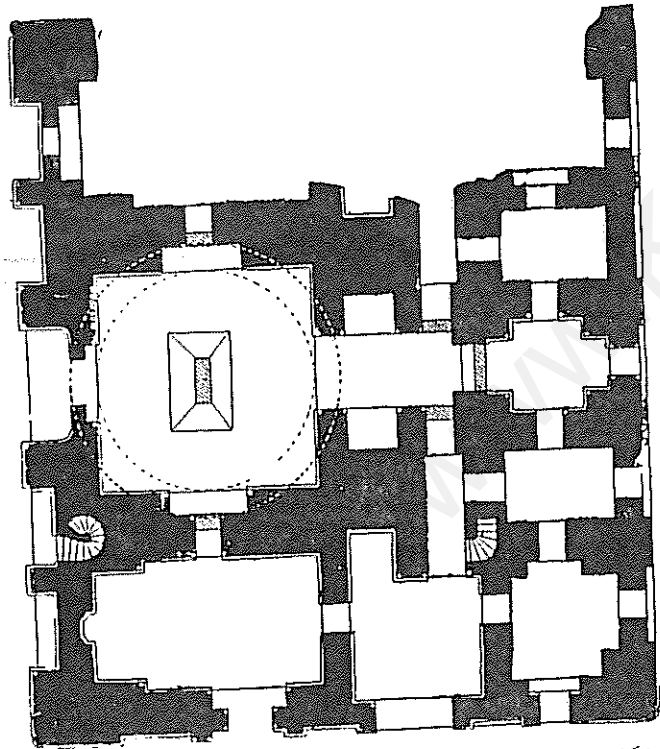
(۱) - نگاه کنید به: باربییه دومی نارد Barbiér de meynard، فرهنگ جغرافیایی و تاریخی وادی ایران ص ۵ شماره ۲.



شکل ۷۶ - برش رسوباتی که خرابه‌های قدیمی شهر آمل در آنهاست.

خود را حفر کرده و در کناره‌های مرتفع رود سیاه دیوارها، ترعه و جوی‌های طاق زده شده دیده می‌شوند. (شکل ۷۷).

در شرق شهر جدید، در پایین دست بل، زمین‌های وسیعی وجود دارد که سابقاً پوشیده



شکل ۷۷ - نقشه مسجد میر بزرگ در آمل. (برداشت مؤلف)



از ساختمانها بوده و اینک صنعت کاران در آن حفاری و کندوکاو کرده، خاکها را بمنظور جمع آوری مواد فلزی گمشده، می‌شویند.

سیاحتی از این کارگاهها مفید است: در اینجا بناهای خانه‌هایی با بناکاری‌های بسیار دقیق و ظریف با آهک، سنگفرش‌های کوچک، تنوری که در آن نان‌های پخته‌اند، سنگهای آسیا، و مقدار عظیمی از خرد دریزهای متر اکم در رسوبات (۱) رودخانه دیده می‌شود. غالب اوقات درین ویرانه‌ها جواهرات و اشیاء برنجی پیدا می‌کنند (من توانستم چندتا از آنها را برای خود تهیه کنم): اینجا و آنجا اسکلت آدمها و حیوانات، مدفون درین خرابه‌ها بسیار زیاد است؛ ازین خود دلیل بر آنست که سیل ناگهانی واقع شده، هر چیز را در مسیر خود خراب کرده و حتی برای سکنه فرصت فرار باقی نگذاشته است.

شهر فعلی آمل چندان بیش از ۶۵ هزار نفر سکنه ندارد، این شهر عمدتاً مشتمل است بر کوچه‌هایی که در امتداد ساحل کشیده شده‌اند و یک کوچه سرتاسری که از روی پل عبور می‌کند، کوچه‌ها بسیار کثیف‌اند، همچنین منازل و بازار بسیار بد ساخته شده‌اند.

جالب توجه‌ترین بناهای تاریخی آمل، بدون تردید مسجد میر بزرگ (شکل ۷۸-۸۰) میباشد، این مسجد در غرب بازار فعلی واقع شده، از آجر پخته با پوشش درونی و برونی از کاشی آبی رنگ (مینائی) ساخته شده است.

نما مرکب است از یک در بزرگ بیضی، بادودر کوچک‌تر در سمت چپ و راست. جمالی آنها باینک کتیبه دراز از کاشی‌های مینائی رنگ و بیضی‌رنگی کوفی تزیین شده‌اند. اضلاع طرفین که فقط یکی از آنها خوب محفوظ مانده تزیینات رنگارنگ ندارند، تنها زوایای آنها کاشی مینا کاری است.

(۱) - آجرهایی که خانه‌ها از آنها ساخته شده‌اند با بعد زیراند:  $۰.۴۸ \times ۰.۱۹$  ر. یا  $۰.۶۷ \times ۰.۱۶$  ر. و  $۰.۷۰ \times ۰.۴۲$  ر. متر یا  $۰.۶۷ \times ۰.۱۶$  ر. متر. این آجرها بوسیله کسانیکه خرابه‌های شهر را استخراج می‌کنند برای فروش جمع آوری گردیده، شهر فعلی آمل را از آنها ساخته شده است.

در سالن بزرگ که مربع است و چهار ضلع آن توسط چهار درمنفذ یافته است دیوارها مزین بکاشی‌های زمینه زرد با حاشیه سیاه خاکستری با ارتفاع ۲۴۰ متری میباشد در بالا تزیینات زرد و سیاه قرار گرفته، سپس در زیر قسمت مقعر کتیبه، یک کتیبه عربی پهن که با سفید روی آبی نوشته شده، قرار دارد می‌گویند کتیبه که تقریباً جمله تعمیر و از نو ساخته شده، سابقاً از خارج پوشیده از ورقه‌های نقره بوده است.

در چپ و راست سالن بزرگ، اتاقهای کوچکتر از آن مزین بکاشی‌های زرد همراه با گلپای ظریف قرار دارند.



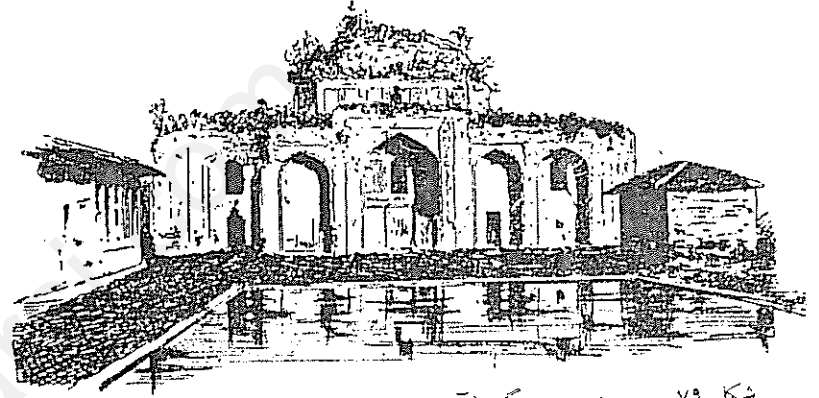
شکل ۷۸- مسجد میر بزرگ آمل، منظره عمومی. ( از روی عکس مؤلف )

اتاقهای زیر امروز در وضع بسیار بدی‌اند. سابقاً بعضی از آنها بسیار مجللانه مزین بمینا بوده است. اتاق کوچک مرکزی بیشتر از بسیاری از آنها دقت و مواظبت میشده است.

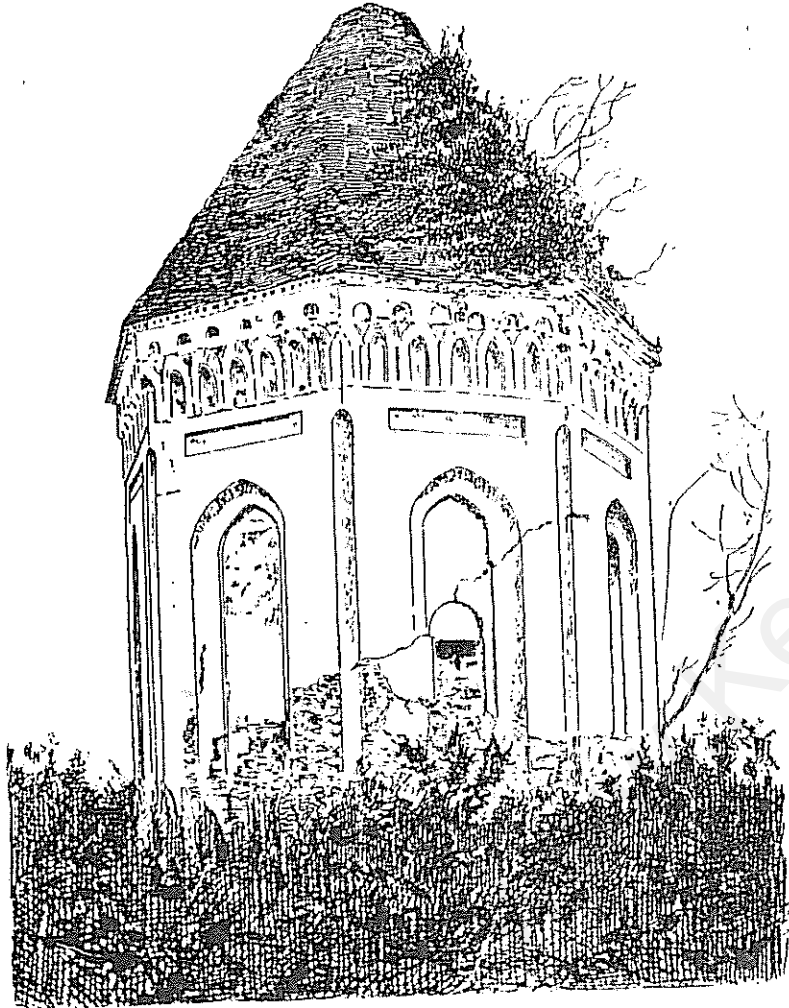
سابقاً نزدیک مسجد بزرگ قصری که زمین برجسته مربع آن هنوز پایدار است وجود داشته است. مردم منطقه ادعا می‌کنند که در محلی که فعلاً رودخانه جاریست، قصر بسیار مهمی یافت میشده است، و بر اثر طغیان رودخانه ویران شده و بهنگامی که جریان رودخانه بنحوی قطعی تثبیت گردیده، آن قصر باتمام غنائمش از جا کنده

و برده شده است.

در مغرب شهر فعلی بین مسجد میر بزرگ و بستر سابق رودخانه چهار برج بی نام



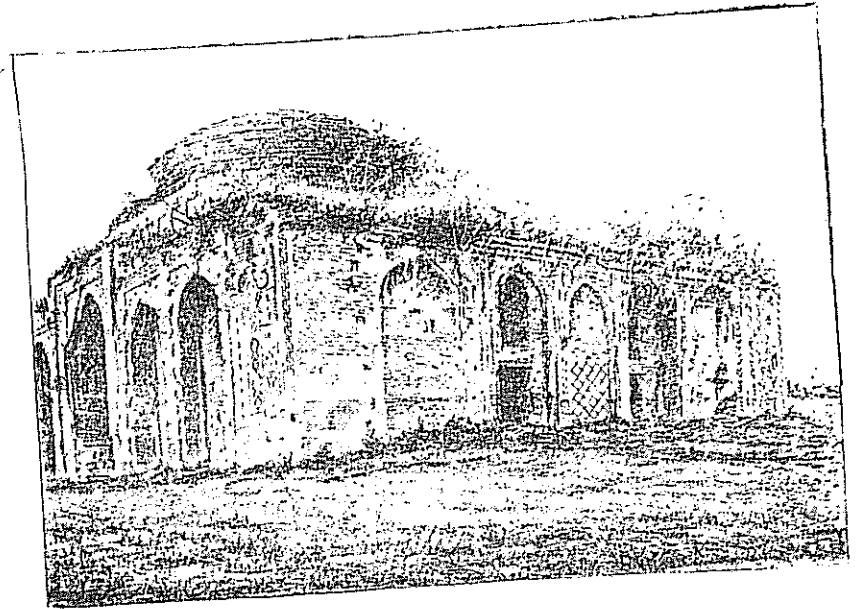
شکل ۷۹ - مسجد میر بزرگ (آمل) - منظره مقابل (از روی عکس مؤلف)



شکل ۸۱ - مقبره‌ای در خرابه های شهر قدیم آمل (از روی عکس مؤلف)

وجود دارد سابقاً جزء مهمترین آثار تاریخی بودند.

یکی از این برجها بهتر از دیگران حفظ شده دارای داخله کاشی میناکاری بسیار  
اعجاب انگیزی است ، این برج مربع ، دارای چهار در است ، سقف آن مخروطی



شکل ۸۰ - مسجد میر بزرگ آمل (از روی عکس مؤلف)

طاق آن از اطاقهای کوچک بسیار ظریف است ، بعلاوه آجر کاری آن بسیار نیکوست . اگر از روی وسعت خرابه‌هایی که هنوز مشهود اند ، قضاوت کنیم ، شهر آمل ، خیلی بزرگ بوده و بسیار خوب ساخته شده است و حداقل مشتمل بر چهل هزار نفر سکنه بوده است . امروز این شهر کاملاً تنزل کرده و روز بروز هم بیشتر تنزل می کند . سابقاً این شهر برجاده کاروانی که از مازندران بتهران می رفتند و بر شهر دماوند مسلط بوده است ، زیرا در آن عهد تجارت از این طرف خیلی قابل توجه بوده است . امروز حمل و نقل از طریق رشت یا از طریق ارض روم انجام میگیرد بنحوی که آمل هرگز از ویرانه‌های خود بر نخواهد خاست .

بعدازشهرهایی که شرح آنها را دادم ، مهمترین مراکز عبارتند از ، اشرف فرح آباد ، مشهدسر (مسجد سرا) ؛ دوتای اولی ، شهرهایی سقوط کرده هستند ، آخری تنها بندر ساحل مازندران است که کمی آمد و رفت دارد .

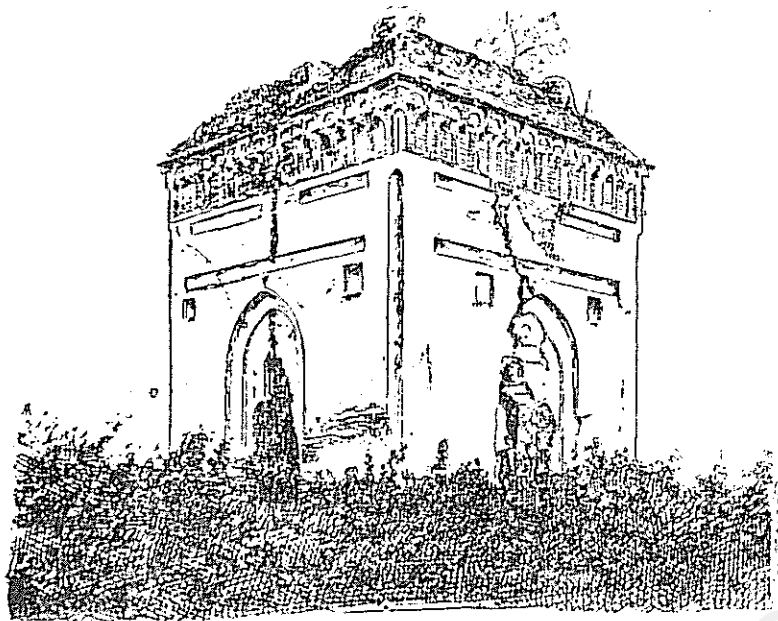
۱- مشهدسر (مسجدسر رودخانه) بندر بهمنی دقیق کلمه ندارد ؛ کشتی‌های شراعی ترکمن داخل در رودخانه می شوند ، لیکن ، کشتی‌های تجاری بعلمت کمی عمق مجبورند که دور از ساحل بمانند . این ناراحت کننده است که جز بوسیله کرجی‌ها نمیتوان کالاها را بساحل پیاده کرد . از آنجا که راه رشت ، قزوین - تهران بسیار دورتر از راه مشهدسر-آمل و دماوند و تهران است این توقف گاه و تدارک گاه کشتی‌روس ، سابقاً برای پیاده کردن امته ساخته شده بوده است .

دهستان مشهدسر ، مشتمل است بر فقط خانه‌هایی چند و مغازه‌های بزرگ و وسیع که در آنها کالاها و وارداتی و صادراتی انبار و جمع می گردند ، در یکی از عمارت‌های همین ساختمان ها کارکنان کهنانی قفقازی مرکور Kavkaz -y- Merkur ساکن اند . آنها از ارمنه‌اند .

بابل رود در بالای سد و بستس عمیق است و جز با کداز نمی توان از آن عبور کرد ؛ حیوانات را با شنا عبور داده و بار و بنه بوسیله کشتی رانان ترکمن ها بساحل دیگر حمل می کنند .

بمانند همه رودهای مازندران بابل رود در مصب تغییر جا می دهد ، تاکنون سه مغازه از کهنانی قفقازی مرکور خراب شده اند ؛ اگر از روی تپه‌های شنی ساحلی قضاوت کنیم این جابجایی در حدود ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ متر است . در جنوب تپه‌ها باتلاقهایی که منطقه

اشرف در آغاز قرن هفدهم بر حسب میل شاه عباس که آنرا مقرر محبوب و دلپسند



شکل ۸۲ - مقبره ای در خرابه های قدیم شهر آمل . ( از روی عکس مؤلف )

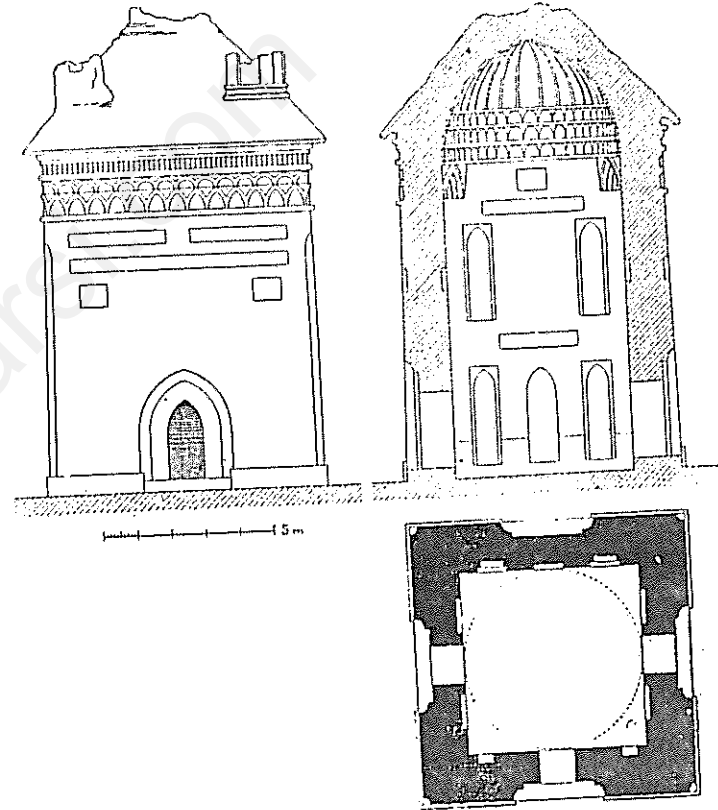
را بسیار ناسالم میدانند وجود دارند .

دو جاده امکان حمل و نقل کالاها را تا خود آمل میدهند ، یکی از بار فروش می گذرد ، دیگری مستقیماً از راه علی آباد و باغ شاه بانجا می رود ، هر دو آنها ، یکی بهمان اندازه که دیگری بد میباشند ، در زمستان کاروان برحمت میتواند در آن حرکت کند . در تمام مازندران ، حمل و نقل بوسیله اسبانی که عادت بگل ولای دارند و در آن بسهولتی باور نکردنی راه می روند ، انجام میگیرد ؛ فاطرها برعکس زمین می خورند و نمی توانند پیش روند . وقتی که هوا خشک است جاده‌های بین مشهدسر و کوهستان دانما گلی اند وقتی که تازه باران آمده باشد ، آنها تبدیل بمردابهای واقعی میشوند و حمل و نقل سه برابر تابستان قیمت می یابد ، آنهم زمانیکه بخت یار باشد و برای عزیمت چارودار پیدا شود .

ترکمنهایی که بمشهدسر رفت و آمد می کنند ، از استب روس (چقشلر) یا از ساحل ایران کمیش تپه ، خواجه نفس و غیره می آیند . آنها در ساحل مازندران بکارهای حمل و نقل کوچک مشغولند . بعضی از آنها در محل می مانند ، آنها باتدبیر مذهب درینجا

خود نمود، تأسیس شده است.

پادشاه دره کوچکی را واقع در مقابل خلیج استرآباد، و در بای پایه‌های

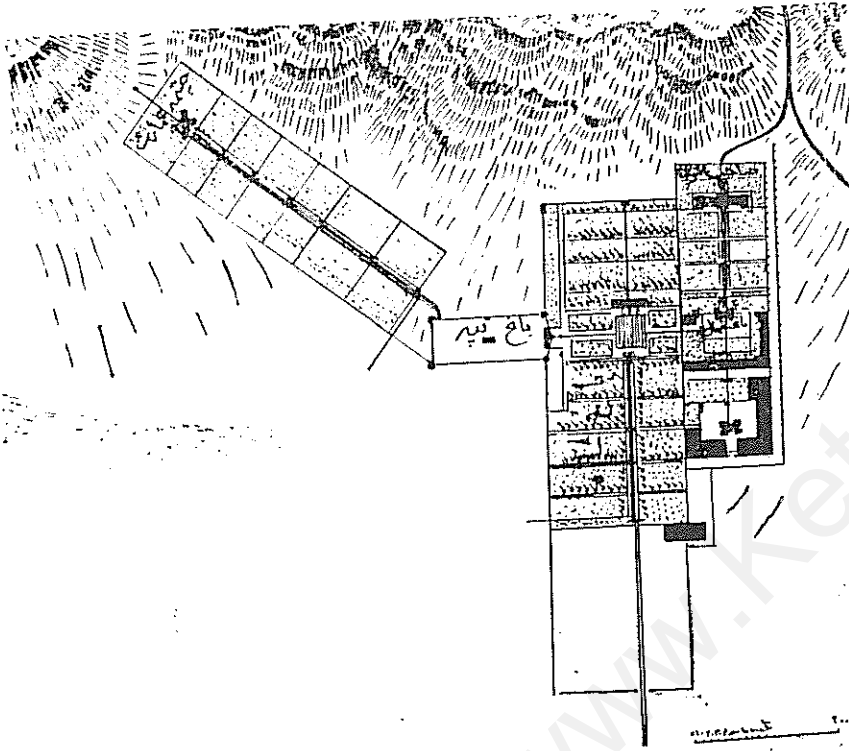


شکل ۸۳ - نقشه مقطع يك مقبره قديمی در شهر آمل. (از روی ترسیمات مؤلف)

بنا مستقر شده‌اند. در فرج آباد تر کمنها هستند که بصید در مصب ورودخانه می بردازند؛ آنها در اینجا خاویار و ماهی خشک تهیه کرده که بعد میروند و آنها را در بنادر روسیه می فروشند. مازندرانها دست بماهی که آنها نجس میدانند نیز نتند. سگ ماهی در نظر آنها از دیگر نجسها نجس تر است. (یادداشتهای سفر از ۲۱ فوریه ۱۸۹۰)

۱- «بالاخره ما به اشرف که از دریا جز دوفرسخ (۸ کیلومتر) یا کمی بیشتر دور نیست رسیدیم. این شهر در منتهی الیه يك جلگه زیبا، در بای چند کوه کوچک که آنها از جانب جنوب محفوظ میدارد واقف شده است، مکانی است آزاد که در حال حاضر در آن شروع

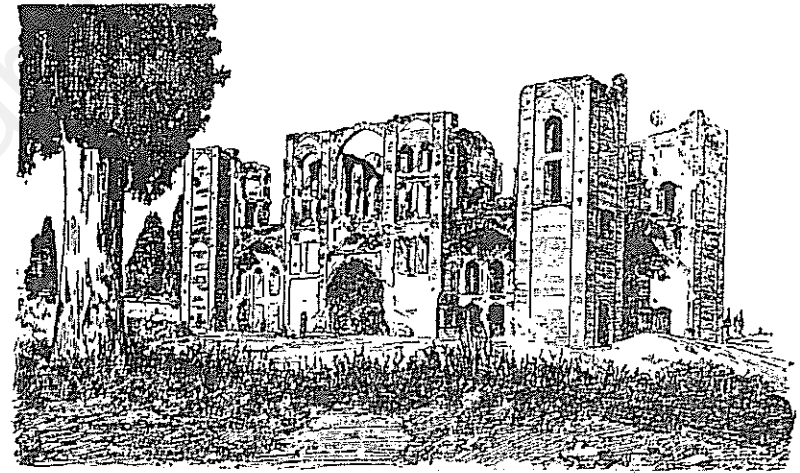
جنگلی البرز، که دارای یکی از مطبوعترین آب و هوای ایران است انتخاب کرده، در آنجا کوچه‌هایی در خور يك پایتخت احداث و باغات عالی در خور غنا و ثروت و قدرت او طرح ریزی نموده است. بدبختانه ویرانی «اشرفی ترین شهرها» (اشرف البلاد) را از پای در آورده است. امروز خود شهر جز ۵۵ با ۲۰۰ خانه بیشتر، کمتر از دوهزار



شکل ۸۵: نقشه خانه‌های قصر اشرف (در پشت دروازه)

بنا ساختن نموده‌اند. هنوز در آن چیزی جز قصر شاه که آنها تمام نشده، باغ‌هایش و يك کوجه بازار بزرگ، با بسیاری خانه‌های دیگر که از روی ببقیدی، و بدون نظم، اینطرف و آنطرف در میان درختان در يك میدانگاهی بسیار زیبایی که در آنجا می سازند، دیده نمی شود معینا این مکان پراز سکنه است که شاه با آنجا کوچانده است، و عمدتاً وقتی شاه ساکن اینجا باشد بر آمد و رفت می شود. « (پیترو دولاولو Pietro de la Valle ترجمه فرانسه ۱۷۴۵، جلد ۳ صفحه ۲۹۷).

نفر سکنه دارد و تصور هم اکنون هنوز بیای خود ایستاده اند. (تصویر ۱۵)  
 دهستان اشرف، جمله برکنار یک خیابان طویل که سابقاً از قصور شاهی شروع  
 و بدریا نزدیک ده شاه کالا میرفته بنا گردیده است.  
 از دری که بروی این خیابان گشوده می شود، داخل محیط قصر می گردند.  
 در سمت راست در و در اولین محیط دیوارها (باروها) حمامها می باشند  
 که هنوز هم در حالتی خوب میباشند. در وسط باغ شاه، باغ بزرگی بر از سروهای



شکل ۸۵ - اشرف - خرابه های قصر شاه عباس، صاحب الزمان. (از روی عکس مؤلف)

۱- پیتر و دولوال Pietro de la Valle شرح زبر را برای ما از قصر شاهی

بجا گذارده است :

« ما از در بزرگ و اصلی قصر که منتهی بخیبانی می شود، زیبا و طویل، مسطح،  
 خیلی عریض که در حال حاضر جز با پرچین های ساده باغ از طرفین تزئین نشده است وارد  
 شدیم. اما وزیر بمن گفت که این خیابان برای تشکیل بازاری در نظر گرفته شده بوده  
 است، یعنی کوچه، که مطابق مرسوم آنها طاق زده شده و درکنار آن دکا کین پر از کالاهای  
 مختلف ساخته می شوند. . . آن طرف در آنجا که فقط دخول پیاده مجاز است، چمن بزرگی  
 است، در آن از کسانی که قصد ملاقات شاه را دارند یا از درباریان اند نگهداری میشود،  
 زیرا شاه هرگز در سالنهای قصر خود شرفیابی نمیدهد. بلکه همیشه یا در حیاط و پیاده»

صد ساله و تخت گاهای آراسته یافت می شود، در تمام طول این باغ جو بهای منشعب از کوهستان که از آبشارهای متعددی نزول می کند جاری بوده حوض یا استخر وسیع چهارگوشی را آب میدهد.

تپه یا در جایگاههای عمومی و براسب. از دست چپ بهنگام دخول در چمن تپه زیبایی است که ارتفاع آن تا حدودی طبیعی و تا حدودی از آنهم مربوط بسنگهایی است که صنعت برای آن تهیه کرده است، در پای آن حمامی ساخته اند که دائماً در خدمت شهر است و درآمد آن متعلق بشاه است. بر روی قله این تپه باغی مخصوص و مجرمانه برای خانها ساخته اند که با دیوارهای بلند و چند برج مسدود است.

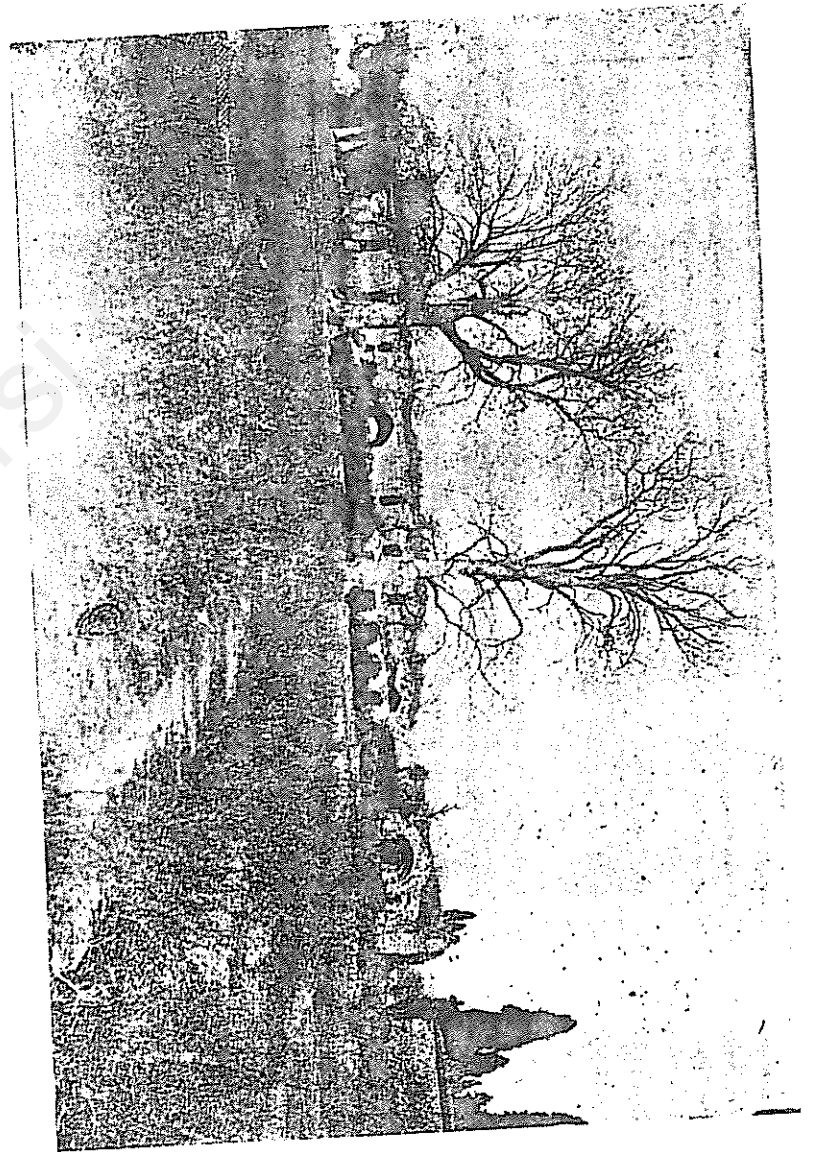
مرا باین باغ که آنرا فوق العاده وسیع و یگانه، پراز گل و سبزه های معطر، لیکن علی الخصوص پراز نارنج و پرتقال بود یافتیم، هدایت کردند. من در اینجا ابدأ ردیف درختان که کنار چفته و دیوار باشند و نه چشمه و نه دیگر تزئیناتی که ما باغهای خود را با آنها میاراییم، ندیدم.

« آب در جو بهای کوچک، نه بمانند باغات ما در طرفین، بلکه در وسط که بخط مستقیم ساخته شده اند جاری است، و خیابانها جمله از سنگ مفروش اند. در وسط باغ در محل برخورد چهار خیابان اصلی که آنرا بصورت صلیبی بچهار قسمت تقسیم می کند، خانه ای بنا کرده اند که شکل آن هشت گوش است. این خلوتگاه در حقیقت تنگ و فشرده است اما خیلی رفیع و چند طبقه است، اطاقها در آن خوب نقاشی شده و کاملاً مطلا هستند، لیکن طبق معمول بسیار کوچک اند، تنها برای خوابیدن و نشستن در آن. تمامی این ابارتیمان اختصاص بزنها دارد، جائی است که از همه مردان هرگز کسی جز شاه و چندین خواجه مجاز بدخول نیست.

از باغ و این خانه بتدریج خارج شده، عازم دیدن خانه شاه که آنطرف چمن، مقابل تپه، دست چپ بهنگام ورود، واقع شده است گشتیم، با اینجا ابتدا بتوسط باغ کوچک و بعد بتوسط يك خیابان که بیاغ بزرگ می رود و در وسط آن دیوانخانه بنا شده، داخل می شوند. در بزرگی دیده می شود که در بالای آن چشمه ایست که آب را تا نزدیک پشت بام این خانه بالا می زند و از آنجا بر اتاقها و ایوانها (بالکن) ی چندی بصورت چشمه های کوچک یا خیلی شبیه بفواره هایی که از زمین خارج می شوند منتشر می شود.

« این خانه، همچنان که آن یکی بسیار کوچک است، اما شماره اتاقهای آن که چند طبقه دارند بی نهایت است، لیکن این اتاقها جمله تنگ، هر چند مذهب کاری بوده و از میناتورهای عالی که بی اندازه گران تمام شده اند پر باشند. . . . در اینجا ایوانهای بسیاری است که با پنجره و پرده های بزرگ مسدود اند ».

اینجا توصف پیترو و دولوال که بسیار ناکامل است پایان می گیرد: محتمل است:



۲۳۳ م

اشرف - خرابه های قسره عباس (عکس از مولف)

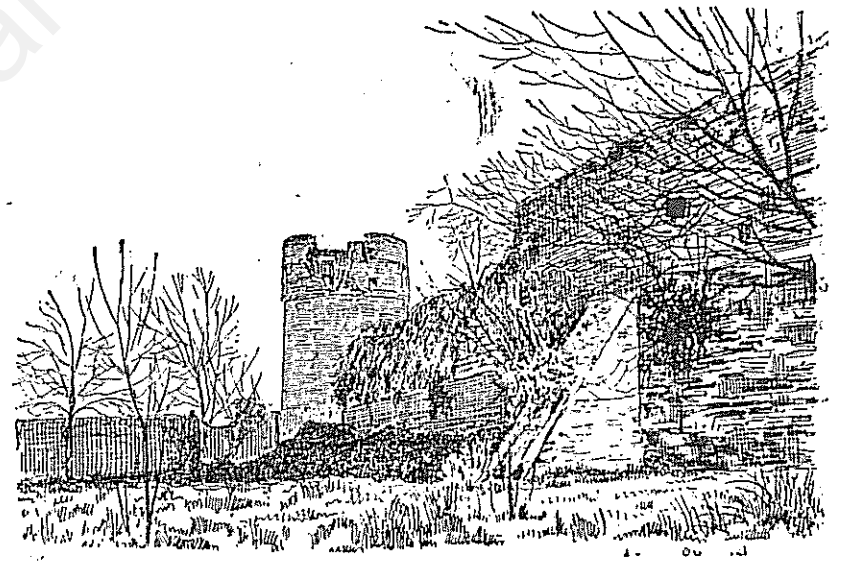
تصویر ۱



سابقاً این استخر آب در جلو يك عمارت قرار داشته ، اما این عمارت از بین رفته و بجای آن يك عمارت قابل سکونی تر از خرابه‌های قصر کهن ولی با سلیقه‌ای نفرت‌انگیز جانشین شده است .

این اولین باغ که تشکیل مسطیلت درازی میدهد بر تپه‌ها تکیه دارد و بین آن باغ و باروها راهی را باز می‌گذارد .

در سمت راست باغ شاه بناهای معروف به باغ شمال و صاحب‌الزمان ( شکل ۸۶ ) میباشد. آنها بیاروهائی بلند و محصورند و همه چیز مرا بقبول این نکته و امیدارد که این قصور برای مقر بزرگان و اندرونها و خدمتکاران آنها بکار برفته است .



شکل ۸۶ - اشرف - خرابه‌های قصر شاه عباس ، باغ تپه ( از روی عکس مؤلف )

در که دیگر خرابه‌هایی که هنوز در اشرف دیده میشوند ، کارسالیهای بعد از سیاحت او باشد . نکته عجیبی من در باغات کشف کردم، و آن اینستکه هر يك از سنگهای بزرگی که تشکیل سنگفرش را میدهد حرف اول اسمانی را با خود دارد، در میان آنها شماره زیادی از حروف کرجی جلب توجه می‌کنند . بالاخره در همین عصر بوده است که کار تلی‌ها Karthlis - سکنه کرجی محله تبعید شده‌اند . آنها در ساختمان قصر شاهی بکار گماشته شده‌اند .

در جنوب باغ شمال طویل‌ها و منازل نوکرهای شاه بوده است . حیاط‌های بزرگ ، باغات ، ایوانها ، این محل سکونی را بسیار مفوح میدانسته است ، و آبهای سریع‌الحر که و با نشاط کوهستان ، از تمام طول باغها و ساختمانها عبور کرده همه جا تشکیل آبشارها حوضها میداده است .

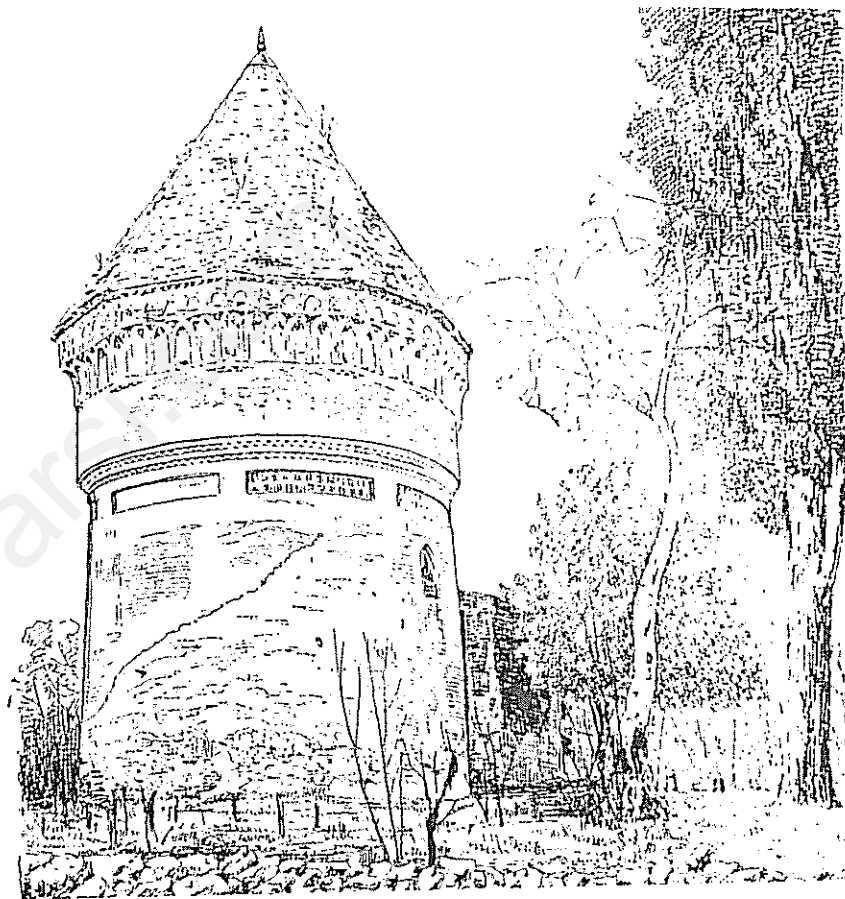
من نمیتوانم نحوه دقیق استفاده از قصر صاحب‌الزمان را مشخص کنم ، اما اما معماری آن از عجیب‌ترین آن قصور بوده و بناهای زمان ساسانی را بیاد می‌آورد . در سمت چپ باغشاه ، باغ تپه قرار دارد. این باغ بر روی يك تپه مصنوعی بنا شده و توسط چهار برج استحکامات داده شده است . پیتر و دو لواله *Pietro de la Valle* می‌گوید که این قصر برای زنان ساخته شده است؛ بنابراین اندرون در آنجا وجود دارد . يك شعبه از آبهای کوهستان ، از مجاری که در داخل دیوارهای داخلی ساخته شده ( شکل ۸۸ ) گذشته ، قلعه را آب میدهد و زیادی و سررفتگی آب بصورت آبشار بیابغ شاهی میریزد ( شکل ۸۹ ) .

آنطرف تر بسوی مشرق ، در خارج پارکی بطول ۴۶۰ متر ، چشمه ابست که بدقت و ظرافت بصورت فواره معماری که مجلانها از کاشی‌های مینایی تزیین شده است رفته و امروز چشمة عمارت گفته می‌شود . این باغ نسبت موقع باغ تپه و مجموعه قصر مورب و کج واقع شده ، لیکن چهره خارجی منطقه بغض و تقص قرینه را ایجاب می‌کرده است .



شکل ۸۷ - مجاری آب درون دیوارهای اطراف پارک شاه عباس در اشرف

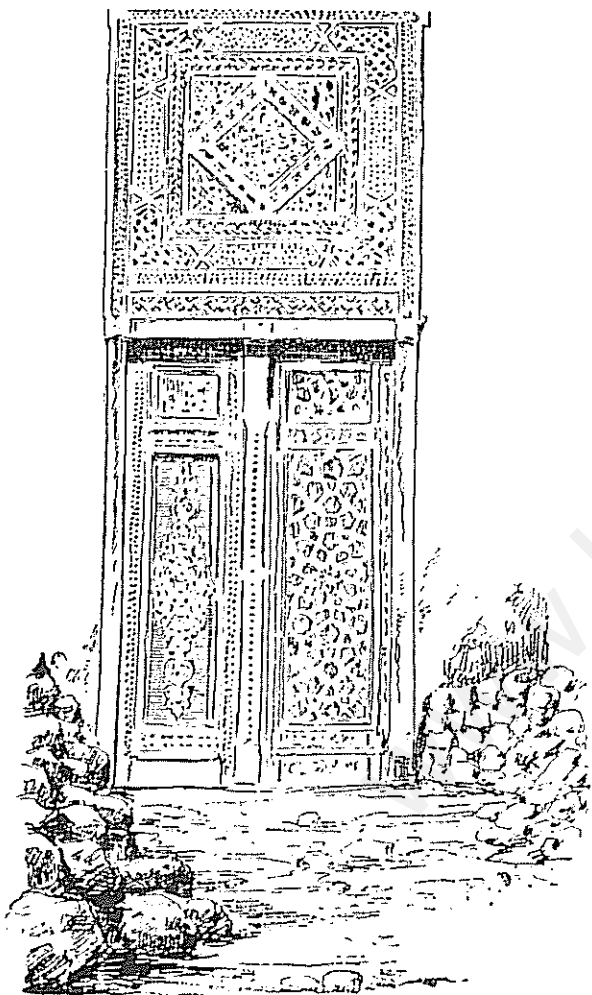




شکل ۹۰- امامزاده‌ای در نزدیک ده ایساندو (از روی عکس مؤلف)

و هر روز برای سکنی دادن در آن باینجا می‌فرستند، از ملل مختلف‌اند. بیرون مسجد ابداً جزء آنها نیستند و بخش معتابیهی از آن مسیحیان یا گرجی‌هایی‌اند که مجاز بساختن خانه و کلیسا می‌باشند. « (جلد سوم، ص ۲۲۸). » به‌علاوه، این شهر جدید که هنوز با اصطلاح در کهنواره است جز از خاک، چوب، نی و گاه ساخته نشده است، که غالباً اتفاق می‌افتد چنانچه در عهد خود من اتفاق افتاد از بین آن‌همه حریق، یکمرتبه بستر تاسر تمام کوچه‌ها سرایت کرده و پراشه‌هایی برای صاحبان آن خانه‌ها بجا می‌گذارد. اما شاه که لاینقطع برای زیبایی و ترقی این شهر کار می‌کند در مواقع حریق بکمک رسیده از شهر دفاع کرده سپس این خانه‌ها را بهمان گونه که بوده‌اند از نو می‌سازد. مگر آنکه آن‌ها را بهمان استحکام نسازند. « (جلد سوم ص ۲۲۳). »

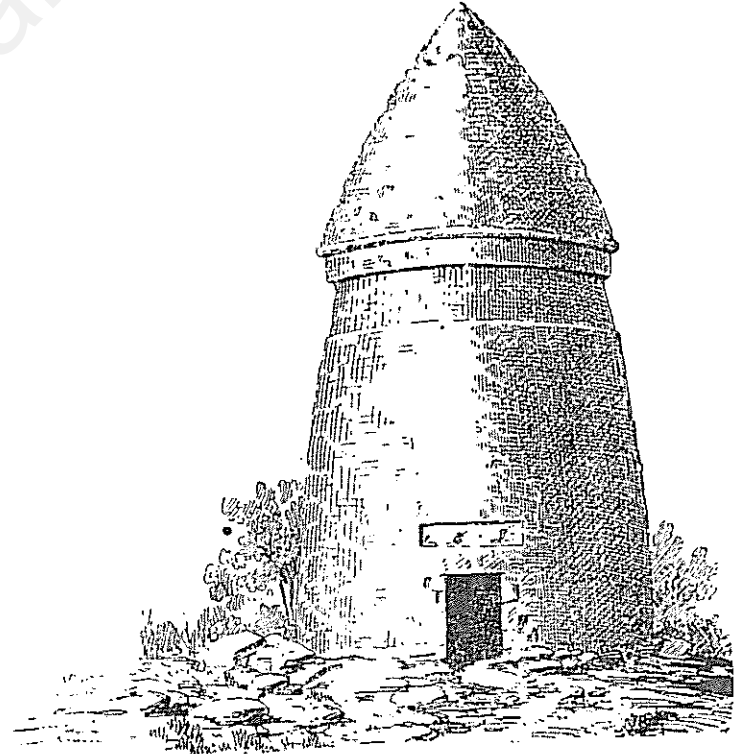
دوره سلطنت شاه عباس را بیشتر از اشرف افتخاراتش را ازین برده‌است. ازین بناهای عالی‌جز کومه‌های آجری، چند طاق و رواق و دیوان باقی‌نمانده‌است. اگر از روی ضخامت دیوارها و مرغوبیت مصالح بکاررفته قضاوت کنم، عمارات با عظمت بوده‌اند؛ لیکن وقت مهلت یک مطالعه مفصل بر روی آن‌اری که برجای‌اند بمن نداد.



شکل ۹۱- در امامزاده ایساندو، (از روی عکس مؤلف)

بعد از اشرف و فرح آباد مهمترین ده بزرگ مازندران مشهدسراست، منتهی کاملاً از نقطه نظری دیگر؛ مشهدسرا ده بزرگ است که از روسیه مستقیماً کالاهای وارداتی را دریافت می‌دارد. مشهدسرا ابریشم، پنبه و برنج مازندران را صادر می‌کند. اگر رشت با حق گمرکی کمی ساحل را بخود جذب نمی‌کرد این ده بزرگ توسعه زیادی می‌یافت.

در دهات مازندران بسیاری مساجد قدیمی وجود دارند، اما من برای توصیف آنها درنگ کرده‌ام؛ آنها بجا ب توجه در بارهٔ امامزاده ایسانلو (در متن عصبه آمده است. مترجم) اکتفا می‌کنم؛ این بنا بخاطر معماری عمومی اش عجیب و برج آمل را بخاطر می‌آورد، و بخاطر در زیبای چوبی کنده و منبت کاری شده اش بسبب عربی بسیار خالص جالب توجه است. (شکل ۹۲).



شکل ۹۲ - برج کبرها، وهنه. (ترسیم مؤلف)

بین آمل و مرز گیلان هیچ بنای درخور توجهی وجود ندارد. دهستانها در اینجا متعدد و پرجمعیت اند، لیکن شهر دیده نمی شود.

در تنکابن، دهستان خرم آباد، بخاطر باغات وسیع مرکباتش جالب توجه است؛ در علی آباد چند ساعت سرگرم کننده ای بتماشای اعجاز بی عقلی حاج محمدحسن نامی که بین آمل و ساحل خط آهنی که بهمان اندازه بد فکر شده بد هم ساخته شده است گذراننده میشود.

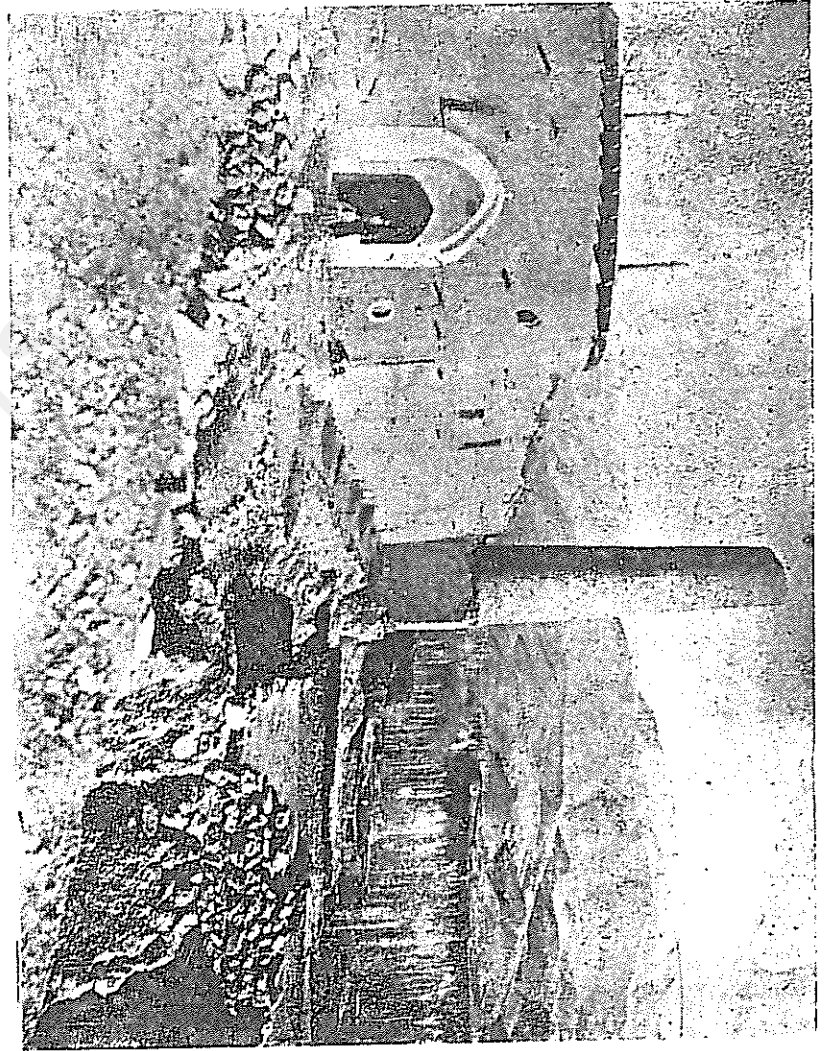
دره لار خصائص جالب توجهی دارد که من نباید بسکوت بر گزار کنم. در تنگه بند بریده سنگ تراشیده از يك نقش کم برجسته ای است که ناصرالدینشاه و وزرایش را نشان میدهد. این يك نمونه خوبی از هنر جدید ایران است. این حجاری کار يك هنرمند بومی مشتاق بارگاه احساسات مخلصانه و چاکرانه خود بسططان می باشد، قصد و اراده بسیار نیکو و خوب اما اجرا و انجام آن بسیار بد است.

دورتر نزدیک وهنه برجی است که آنرا به گبرها نسبت میدهند، بشکلی است نسبتاً جالب توجه (شکل ۹۳)؛ بالاخره نزدیک ده شونه دشت بین وهنه و رینه<sup>۱</sup> که قصر یا قلعه ملا کلاه یا ملا کلا می باشد.

قلعه ملا یا بهتر بگوئیم قلعه فرشتگان (ملك قلعه)، قرنها حافظ دروازه های

۱- چهاردهمین محل از وندیداموسوم به واراننا Varéna بتوسط آقای دوخانیکیف با ده «ورک Verek واقع در پای دماوند» مشخص شده است (نژادشناسی ایران، ص ۳۷). من بدقت زیاد دنبال این ده گشتم، ولیکن هیچ محلی باین نام نیافتم. در عوض دو ده وهنه و رینه هر کدام چشم انداز بسیار مهمی را اشغال می کنند، یکی در پانین تنگه ها، دیگری در بالا و کاملاً با نام واراننا Varéna مطابقت می نمایند. بین این دو ده است که قلعه ملا کلا (ملك قلعه) واقع شده، که از زمانی خیلی باستان مسکون است. نام واراننا Varéna باین ترتیب نه با يك ده بخدوص، بلکه با يك بخشی که تقاطع بسیار مهم آن وهنه و رینه است مطابقت می نماید که از طریق گردنه ها و شتر گلوهای بند بریده مازندران را بسته و تشکیل يك اردوگاه استحکاماتی میدهد.

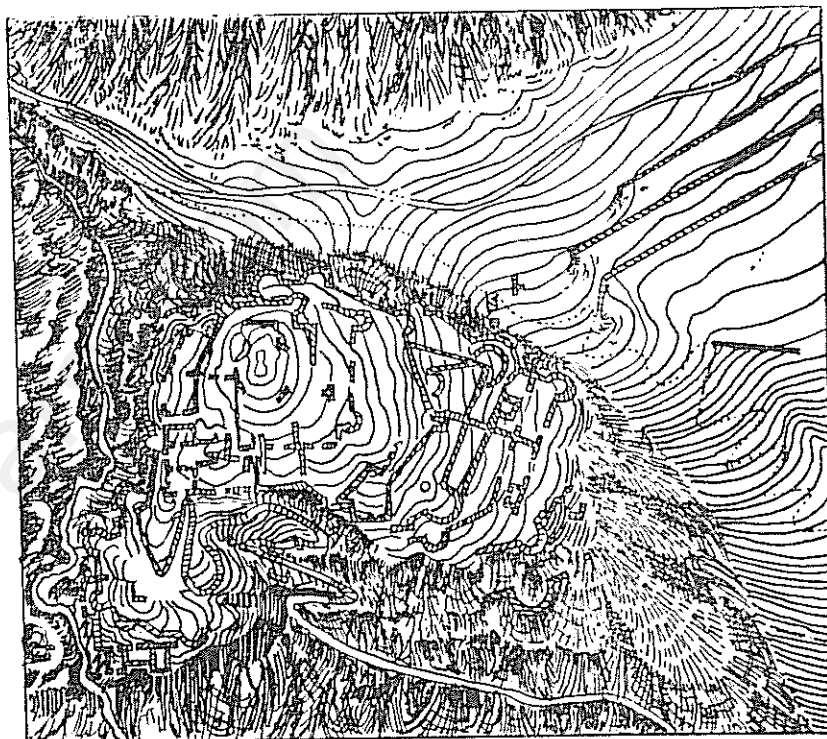
۲- شنگل ده



۲۴۱ م

دماوند: مسجد بزرگ (عکس از مؤلف)

تصویر ۲۱



شکل ۹۳: نقشه قصر قلعه ملا کلا (جردشت از مولف)

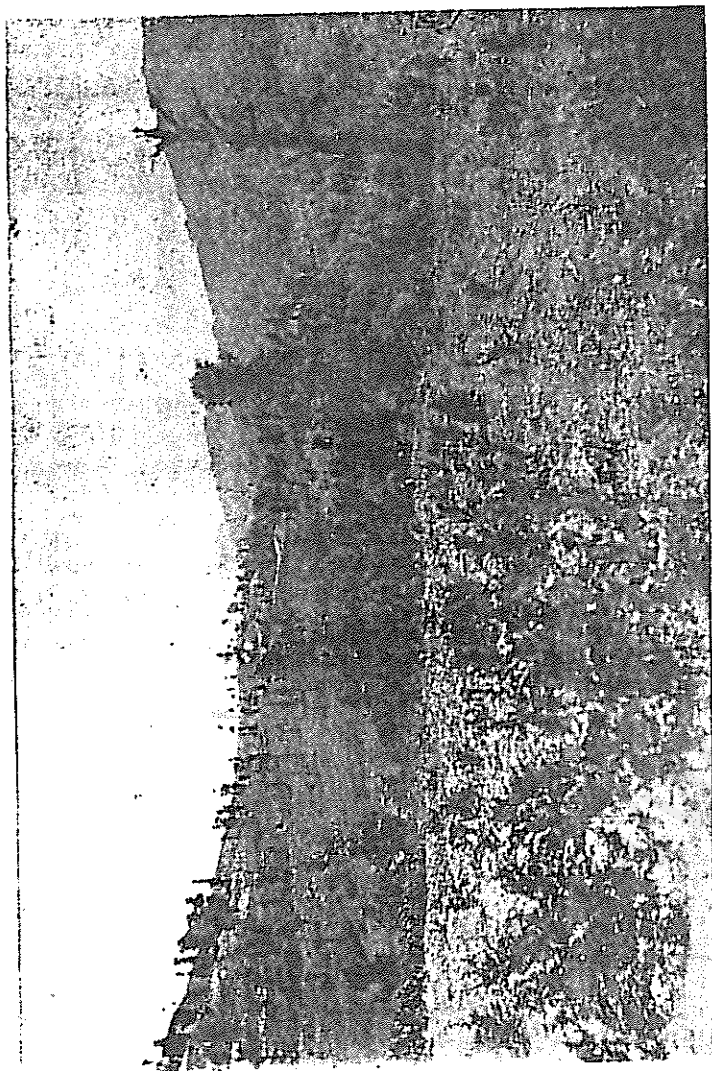
دماوند<sup>۱</sup> بوده است. این قلعه بر روی صخره رمختی در پناه ازهر واقع غیر مترقبه ساخته

۲- من بتماشای قصر کهنه و ویران ملا کلا یا ملا کلاه نزدیک شنگل ۵۵، مشرف بر شهر شونه میروم. ما صبح روز سوار بر اسب عازمیم و از دهی که اسپهای خود را در آن گذارده ایم، عبور می‌نماییم. شنگل ۵۵، دهی است بزرگ و تمیز، در اینجا خانه‌ها خوب ساخته شده‌اند، این ده آب انحرافی شونه را دریافت می‌دارد، ارتفاعش ۱۴۱۰ متر است. ابتدا از یک سیل واقع در پایین یک آبشار بالا می‌رویم. ساعت ۱۱ شب است، خورشید جبهه جنوبی خرابه‌ها را روشن می‌دارد، من یک عکس بر می‌دارم. از آنجا بجنوبی دماوند را میتوان دید که دودهای غلیظی منتشر می‌سازد. اما راهپیمایی بر روی صخره‌های لیز بسیار مشکل است. من مجبورم کفشهایم را بیرون آورده و پیاده در برف بروم. صخره مطلقاً لیز و حداقل ۵۰° شیب دارد، در اینجا از سوراخهای کوچکی که فقط انگشت پاها در آن گیر می‌کنند استفاده می‌شود این راه واقعا بسیار خطرناک است، زیرا بر تگه در جلوی پاست خیلی مهم

تصویر ۳۰

هوویل، مزارع و جنگلها (عکس از مولف)

ص ۳۴۲





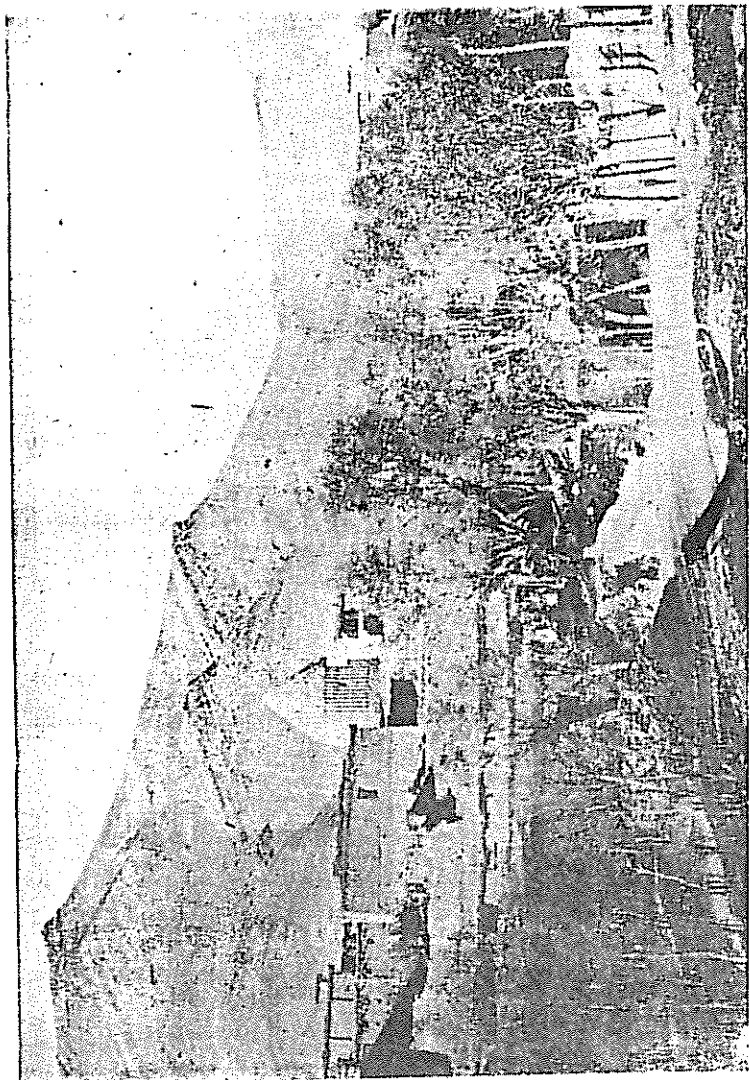


شکل ۹۴ - خرابه‌های ملاکلا . منظره از شمال برداشته شده است . ( از روی عکس مؤلف )

تجرباست که لیز نخورد و سرگیجه نگرفت . پس از عبور از این صخره‌ها ازدامنه بسیار سخت  
 مزین بیوته‌های انبوه علف بالا می‌رویم و بقله میرسیم ( ۱۶۳۰ متر ) بای قصر در طرف  
 جنوب در آسانترین قسمتهایش ( ۱۵۶۵ ) در ۶۵ متری پایین‌تر سکوی کوه می‌باشد .

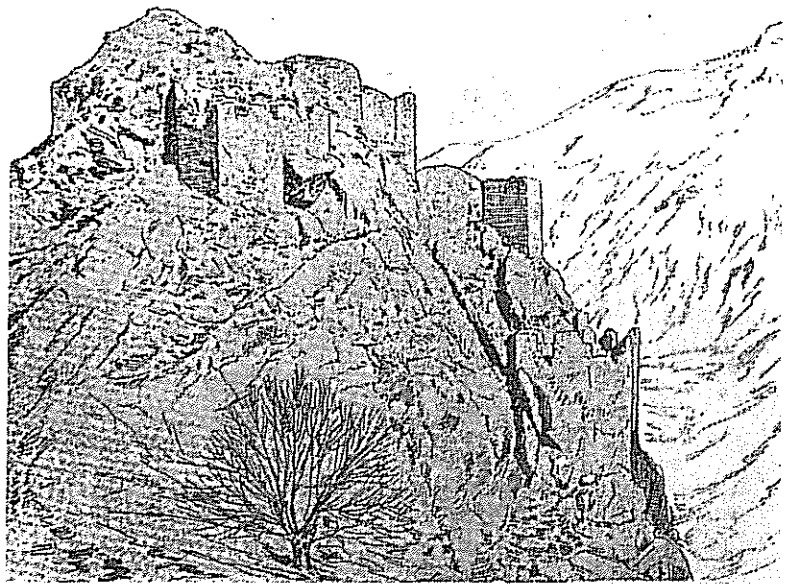
شده ، این قصره شرف و مساط بر معابر و گذرگاه بوده و راه ایران را می بسته است . این قلعه بر بخش کوچک بسیار ثروتمندی پاس میداده که در آنجا پادگانش میتوانسته است ، بهنگامی که گردنه های بندبریده بزور گرفته شده اند ، براحتی آذوغه گیری نماید . صخره ای که این دژ بر روی آن ساخته شده ۲۲۰ متر بالای ده شونه دشت ، بسمت شمال قرار گرفته است ؛ در شمال از سوئی که این دژ بکوه متصل میگردد ، هنوز دارای ارتفاعی عمودی ۶۳ متری دارد . در پایه های آن در همین طرف بطول

این موقعیت برای يك قلعه عالی است . در قله ما در میان خرابه ها هستیم ، این خرابه ها جز برجها و دیوارهای بلند و غیره نیستند . در طول مدتی که من بکک قطب نما يك کروکی توپوگرافیک تهیه می کنم ، راهنما را بده ، بدنبال طناب فرستاده تا در فرود آمدن بن خدمت کند . در غیاب او من نقشه دقیق قسمتهائی را که میتوانم بگردم برمیدارم ، سپس بر روی صخره ها و دیوارهای مرتفع به پشت می خوابم ، من طرز قرار گرفتن و ابعاد دیگر قسمتهای قصر را بتقریب نیت می کنم . از سمت مسیل کار مشکل تر از جاهای دیگر است ؛ ساختمانها بصخره های عمودی ، بعضی بالای دیگر وابسته و معلق اند . ملاک قسری نیست فقط در يك دفعه ساخته شده باشد ، بلکه مجموعه هائی است استحکاماتی که بهم مرتبط و تشکیل يك لایرنت ( عمارت مرکب از دالانها و اطاقهای تو در تو و پریچ و خم ) واقعی میدهند . هیچ کجا بی مصرف و پرت نیفتاده ، کوچکترین خفایای صخره ها دارای يك برج ، يك سینه دیوار میباشد . دفاع از کلیه جوانب مورد نظر و مطالعه قرار گرفته شده و بدقت زیاد تدارک گردیده است ، لیکن بارها و حصارها عمدتاً درجه جنوبی با ارتفاع ۶۵ متر یکی بالای دیگری رویهم قرار گرفته شده اند ، محیط و محوطه های دهشت انگیزی در اینجا ، یکی بعد از دیگری با دیوارهای ضخامت دو متری و سه متری جانشین هم میگرددند ، در حالیکه در خارج در طرف برتگاه دیوارهای حصارچندان پیش از يك متر نیستند . ساختمانها اجازه فرود آمدن مخفیانه را تا خود سیلاب میداده اند . طبقات مختلفه بوسیله پله ها و و زیر زمین ها که امروز مسدود شده اند و آثارشان هم هست بهم مرتبط بوده اند . از بالای سینه دیوار يك حصار ، من بلکانی از یله قدیمی را که بقصر میرفته می بینم ؛ قسمتهای دست نخورده و سالمی از آن پله ها بطول ۲۰ تا ۳۰ متر بجای مانده ، که در شکاف آنها علف میروید . همچنین در مورد راه قدیمی که از طرف ده با تعقیب يك شکفت از يك صخره یا ۳۰ درجه تمایل تقریباً بالا می آمده است . بخش پست آن منهدم شده ، در حالیکه مابقی آن وجود دارد ، همچنین پایه های يك در که هنوز بر روی دامنه دیده می شود . قسمتهائی را که من نگشتم نمی تواند توسط هیچ کس گردیده شود ، بالاخره ، از خرابه يك قلعه مطلقاً



تصویر ۲۰

دماوند منظره عمومی شهر (عکس از مؤلف)



شکل ۹۵ - خرابه‌های ملاکلا . منظره از جنوب برداشته شده است . ( از روی عکس مؤلف )

بغیر ممکن است بساختهای بائینی که در آن پرندگان در برجهایی که دستکهای آنها مفقود شده لانه می‌کنند فرود آمد. - کلیه شکاف‌ها درهائی که هنوز برپا هستند چهار گوش بوده و من کوچکترین اثری از بیضی با هلال و قطره نتوانستم ببینم ، بعلاوه نه کتیبه و نه آثار نقاشی . این قصر حداقل دوبار سوخته ، ساختمانهای قدیمتر از قلوه سنگهای تراشیده و آهک مرغوب‌اند ؛ بعد از اولین ویرانی ، قسمتهای مختلفه دوباره ساخته شده‌اند . در دیوارهای حصار هنوز قطعات سنگ‌های سوخته و دود زده و آهلی که بوسیله زبانه‌ایکه بدیوار چفت شده‌اند و شاهد آخرین آتش‌سوزی است . بقعیده من و به‌وجب قطعات سفالی که در خرابه‌ها دیده می‌شوند ، آخرین تخریب و ویرانی ملاکلا در حدود قرن ۱۴ است . اما در مورد سن قسمتهای قدیمتر من هیچ چیز را درین موضوع نمی‌توانم تصدیق و تائید نمایم . در مغرب قصر ایوانهایی بلندی ۶ متر که شاید سابقاً بر روی آنها دهکده‌ای قرار داشته‌است وجود دارد ؛ دورتر تپه نشانه‌ای از آواز و خرابی‌هاست ، و در حدود ۱۵۰۰ متر آنطرفتر چند سینه دیوار است که بناکاری آن متعلق بهمان زمان بناکاری قلعه‌است ( یادداشت‌های سفر از ۹ دسامبر ۱۸۸۹ ) . من در مجلدی مخصوص با اهمیت این قصر از نقطه نظر باستان‌شناسی و تاریخی بازخواهم آمد .

تقریباً ۳۰۰ متر و عرض ۱۰۰ متر وجود دارد که بتوسط يك شعبه از آب شونه<sup>۱</sup> سخاوتمندانه مشروب می شود.

صخره بتمامی از ساختمانهای که یکی بر روی دیگری گذاشته و طبقه داده شده پوشیده بوده و بمانند آشیانه های عقاب بصخره ها متصل میبوده اند. فلات از سمت دره بتوسط يك رشته دیواره ها و حصارهای بسیار فیح که تشکیل ایوانهای عقب نشسته را میدهد تقویت و استحکام داده شده است. عملیات و کارها بسیار قابل توجه و بر رویهم این دژ تشکیل يك اردوگاه استحکاماتی مطلقاً فتح نشدنی میداده است.

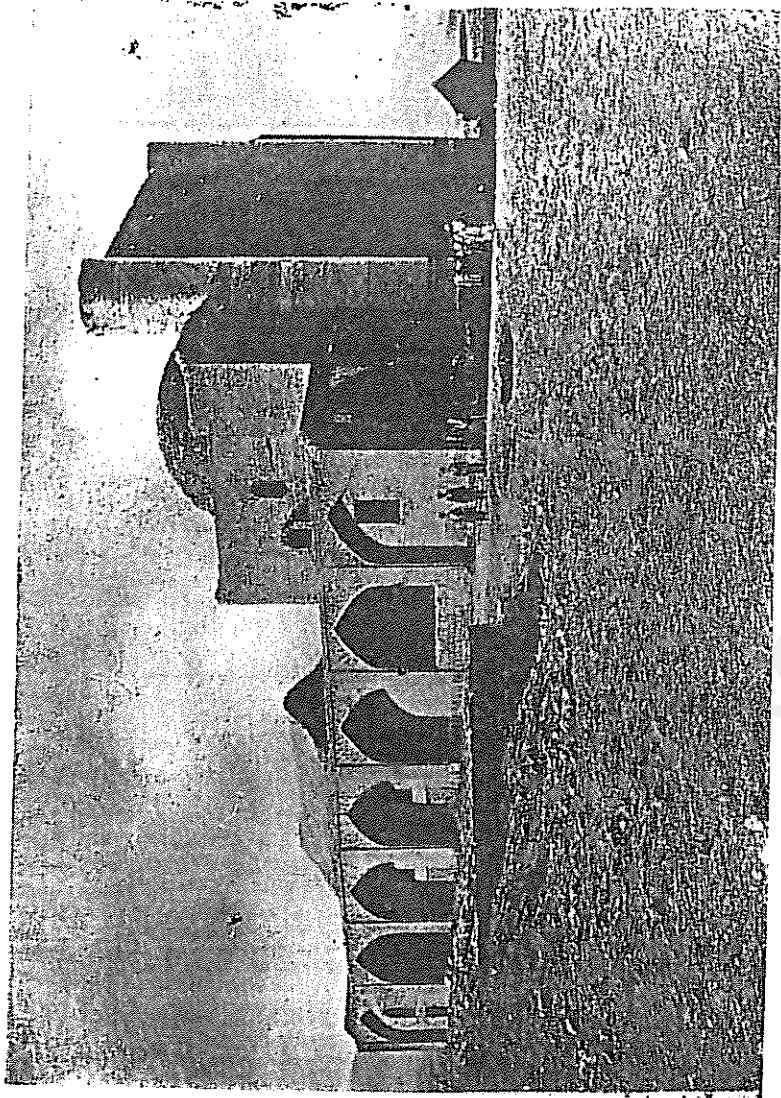
يك پله بریده شده پنج در پنج، در سراسیم ترین و خشن ترین بخش صخره دخول به دژ را هنوز هم مشکل تر میساخته است.

اگر در این پله فرو تمییده و از سمت جنوب است که بایستی اقدام بصعود نمود. من بمنظور ترسیم نقشه ای که ذیلاً تقدیم می کنم، از آن بالا رفتم، اما این کار بقدری خطرناک است که من دوباره در طلبانه آنرا انجام نخواهم داد. باید در حدود چهل متر، با آویزان شدن به حفا یا و درزهای صخره بالای سر که پرتگاهی با ارتفاع صدمتر دارد عبور کرد. طی این صخره بدون در آوردن کفش ها غیر ممکن است، و چون زمستان بود که من این نقشه را ترسیم می کردم، چهار ساعت پای برهنه در برف راه رفتم.

در بالا آمدن از دره لاز، باز هم در سمت راست کمی در پایین رینه، ساکنین زیر زمین ها فوق العاده عجیب اند؛ آنها در محل کافر کلی « غار نشینان کافر » نام دارند اتاقهای بسیار متعدد بتوسط راهرو و دودکش هایی که سابقاً در رسوبات سخت شده کنده اند بیک دیگر هم بو طاند. از آنها طبقات زیادی موجود است این يك ده واقعی غار نشین ها ( تروگلو دیت Throglogyte ) است که تعیین تاریخ آن غیر ممکن است. آن طرف رینه در زمینهای کشاورزی که بر روی فلات در جنوب ده گسترده

۱- ده شونه دشت، ارتفاع ۱۴۱۰ متر، فلات؛ ارتفاع ۱۵۶۵ متر؛ قله ملا کلا:

ارتفاع ۱۶۳۰ متر.



ص ٢٤٦

اهر - مقبرة شيخ شهاب الدين

تصوير ٤٨

تصوير ٤٠

سولير ؛ ترداداغ

ص ٢٤٦

